

بهارن ماه ۱۳۹۲

تاملی در نظریه سید مرتضی در اعجاز قرآن

دکترسید علی اکبر ربیع نتاج^۱

مصطفی رضازاده^۲

چکیده:

این که قرآن معجزه جاودان خاتم الانبیاء است مورد اتفاق همه ی قرآن پژوهان مسلمان است اما این که قرآن از چه جهت معجزه است عالمان مسلمان به اختلاف سخن گفته اند. سید مرتضی علم الهدی که از دانشمندان شیعه می باشد وجه اعجاز قرآن کریم را صرفه دانسته و کتاب "الموضح عن جهة الاعجاز القرآن" را در این راستا تالیف کرده و به دفاع از آن برخاسته است در این کتاب سید مرتضی نظریه دیگران که اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت و نظم و عدم اختلاف در آن و... می دانند را ابتدا بررسی کرده و آنها را ناکافی می داند و در نتیجه اعجاز قرآن را صرفه و خارج از قرآن جستجو می کند در این تحقیق ادله سید مرتضی بررسی و تحلیل می شود و اعجاز درون متنی برای قرآن اثبات می گردد.

کلمات کلیدی: سید مرتضی، اعجاز، صرفه، قرآن.

طرح مسئله:

در قرون گذشته نحله های فکری مختلفی وجود داشته اند که به فراخور نیازهای فکری و عقیدتی شان مباحثی را در ارتباط با قرآن مطرح کرده اند، که از جمله مهم ترین آن ها معجزه بودن قرآن می باشد. با گذشت زمان و رشد مباحث کلامی اعجاز قرآن نیز مورد توجه ویژه متکلمان و ادیبان قرار گرفت. هر چند اعتقاد به معجزه بودن قرآن در میان

۱- دانشیار دانشگاه مازندران دانشکده الهیات و معارف اسلامی - گروه علوم قرآن و حدیث

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

بهمن ماه ۱۳۹۲

تمامی مسلمانان یک امر بدیهی و روشن تلقی می‌شد اما وجود چنین اعتقادی دانشمندان و گروه‌های فکری مختلف را از تألیف و تفحص عمیق در این مورد باز نداشته و وجوه اعجاز قرآن مورد بحث و تحقیق قرار گرفت با پیشرفت علوم مختلف و پس از گذشت قرن‌ها نه تنها بحث درباره‌ی اعجاز کهنه نشده بلکه جنبه‌های دیگری از اعجاز قرآن بر آن افزوده شد از جمله این وجوه نظریه صرفه است که اولین بار نظام معتزلی آن را مطرح کرده و پس از آن بسیاری از دانشمندان از آن تبعیت کرده اند در میان دانشمندان شیعه تنها کسی که از آن سخت دفاع کرده سید مرتضی علم الهدی است که در دفاع از آن کتاب "الموضح عن جهة الاعجاز القران" را تألیف کرده است. در تحقیق حاضر سعی شده دیدگاه سید مرتضی که یکی از طرفداران نظریه‌ی صرفه است نقد و بررسی شود.

وجوه اعجاز:

پیشینه‌ی بحث درباره‌ی اعجاز قرآن به قرن سوم و بعد از آن باز می‌گردد؛ زیرا مسلمانان با اهتمام و الفتی که با قرآن داشتند، بحث درباره‌ی وجوه اعجاز را مهم تلقی نمی‌کردند. با گسترش اسلام و ایجاد فضایی برای تبادل مباحث اعتقادی میان مسلمانان و سایر ادیان، عده‌ای با ایجاد شبهه در کتاب مقدس مسلمانان سعی داشتند و حیانی بودن قرآن را خدشه دار کنند. از این روی متکلمان در جهت پاسخ به این تشکیک‌ها برآمدند و کتبی نظیر دلائل النبوه و اثبات النبوه را به رشته‌ی تألیف در آوردند. (کریمی نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳) دانشمندان برای اعجاز قرآن وجوه مختلفی را نقل کرده‌اند و هر گروه برای اثبات ادعای خود دلایلی را مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال بعضی برای اعجاز قرآن وجوه متنوعی از قبیل زبان و اسلوب قرآن، روش جمع و تألیف قرآن، علوم و معارف قرآن، پاسخگویی قرآن به نیازهای بشری و... قائل شده‌اند. (زرقانی، بی تا، ص ۳۵۵) علامه مجلسی دیدگاه شیخ مفید را درباره اعجاز چنین ذکر می‌کند: اعجاز قرآن در نظر جمهور علما از عامه و خاصه و از جمله شیخ مفید، مربوط به فصاحت و بلاغت فوق العاده‌ی قرآن و وجود اخبار غیبی و مطالب علمی و... است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۲۲۴) از دیگر وجوه قابل ذکر نظریه‌ی شیخ طوسی است که قرآن را دارای فصاحت خاصی می‌داند که در نظمی مخصوص قرار گرفته است. (طوسی، بی تا، ص ۱۷۳) حتی عده‌ای افراط کرده و رسم الخط قرآن را نیز معجزه دانسته‌اند. (معرفت ۱۳۸۵، ص ۱۲۷) با بررسی و واکاوی وجوهی که صاحب نظران برای قرآن قائل شده‌اند، به طور کلی می‌توان نظرات آن‌ها را به دو دسته تقسیم بندی کرد: ۱- درون متنی ۲- برون متنی. وجوه درون متنی وجوهی هستند که صرفاً متن قرآن را مورد ارزیابی و اهتمام خود قرار می‌دهند. این وجوه یا به مسائل ادبی قرآن مانند فصاحت و بلاغت اعلی (جرجانی ۱۳۸۱ق، ص ۲۹) و تألیف خاص و طرز چینش آیات در کنار هم اشاره دارند (زملکانی ۱۳۹۴ق، ص ۵۴)، یا به لحاظ محتوا و معنا مورد ارزیابی قرار

بهارن ماه ۱۳۹۲

گرفته‌اند، مانند اخبار غیبی (مغنیه، ج ۶، ص ۱۲۹)، عدم تناقض گویی و اختلاف (سبزواری نجفی ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۱۶) و وجود مطالب علمی (رضایی اصفهانی ۱۳۸۱، ص ۷۲). اما در وجوه برون متنی چیزی خارج از متن قرآن موجب اعجاز معرفی شده است که یا مربوط به پیامبر است مانند اعجاز به نبی امی (طباطبایی ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۳) و یا مربوط به خداوند است، مانند قول به صرفه (سید مرتضی ۱۳۸۲، ص ۹۳). سید مرتضی درباره اختلاف در وجوه اعجاز قرآن آورده: خداوند را سپاس که نظرات و مذاهب مختلفی را درباره‌ی اعجاز قرآن قرار داده است و تفاوتی بین این نیست که اعجاز قرآن به خاطر وجود فصاحت باشد، بدون در نظر گرفتن نظم یا به خاطر وجود نظم باشد بدون در نظر گرفتن فصاحت یا وجود اخبار غیبی یا به واسطه‌ی صرفه، عرب را از آوردن مانند آن منصرف کند. گرچه در صحت بعضی از آن‌ها تردید وجود دارد اما به اصل اعجاز قرآن و دلالت بر صدق گفتار پیامبر خدشه‌ای وارد نمی‌سازد و وجه اختلاف آن‌ها به خاطر اختلاف در روش آن‌ها است. (همان، ص ۴۵) ایشان اعجاز را به سه دسته تقسیم بندی کرده: ۱- اعجاز القرآن فی نظمه ۲- اعجاز القرآن فی اخبار عن الغیوب ۳- اعجاز القرآن فی نفی الاختلاف عنه. پس از بیان مطالبی به کامل نبودن هر کدام اشاره می‌کند و برای آن توضیحاتی را یادآور می‌شود. اما اعجاز قرآن به وجه خاصی مربوط نمی‌شود بلکه قرآن از جهات و وجوه گوناگون معجزه و بی‌ظنیر است. درباره‌ی وجوه مختلفی که دانشمندان بر شمرده‌اند باید گفت: این اختلافات ناشی از برداشت‌های متفاوت از یک موضوع واحد است، این موضوع واحد همان موضوع تحدی می‌باشد. هر کس با توجه به زمینه‌های علمی خود اعجاز قرآن را بررسی می‌کند و اختلاف آن‌ها به خاطر تفاوت‌های نگرشی و تخصصی آن‌ها است. با این توضیح امکان طرح وجوه دیگری که بسیار جدید و نو باشد امکان پذیر است و هیچ کدام از صاحب نظران این امکان را دور از دسترس نمی‌دانند.

ارتباط تحدی و اعجاز:

مبارزه و همانند آوری در معجزات، در علوم اسلامی با عنوان تحدی شناخته می‌شود. این شیوه در میان سایر انبیا الهی نیز کاربرد داشته و پیامبران پس از مواجه شدن با انکار مشرکان، این روش را برای نشان دادن اختصاصی بودن آن معجزه و هم چنین عجز آن‌ها به کار می‌گرفتند. با این توضیح تحدی جزء جدایی ناپذیر و ذاتی اعجاز می‌باشد و وجود تحدی در اعجاز، حد و مرز بین معجزه و کرامت را مشخص می‌کند. در کرامت ایجاد امری خارق العاده، منحصر به فردی خاص نمی‌باشد و ممکن است شخص دیگری بتواند مانند آن را بیاورد، اما در معجزه انحصار و اختصاص کاملاً مشهود می‌باشد. ارتباط تنگاتنگ بین اعجاز و تحدی تبعات دیگری مانند تثبیت قلوب مومنان و افزایش ایمان واقعی آن‌ها را نیز در بر دارد. با این همه بعضی از دانشمندان وجود تحدی را در تعریف معجزه، لحاظ نکرده‌اند. (حلی

بهارن ماه ۱۳۹۲

بی تا، ص ۲۷۵) اما بعضی مانند سیوطی در تعریف معجزه، تحدی را لازم دانسته‌اند. وی معجزه را امر خارق العاده مقرون به تحدی و مصون از معارضه می‌داند. (سیوطی بی تا، ج ۲، ص ۲۴۸) عده‌ای نیز معجزه‌ی پیامبر را چیزی می‌دانند که دشمن هنگام تحدی در برابر آن ناتوان باشد. (قاموس المحيط ماده عجز) گفتنی است تحدی در قرآن سیر تدریجی را دنبال کرده و محدوده‌ی آن در ابتدا از همه قرآن شروع شده (اسرا/۸۸) و سیر نزولی پیدا کرده (یونس/۳۸، هود/۱۳، طور/۳۳، بقره/۲۳) و با هر تحدی جدیدی برای منکران تخفیف قائل شده است تا مانند آن را بیاورند، اما با اینکه خداوند حتی به یک سوره از قرآن تحدی کرد (بقره/۲۳) منکران باز هم از آوردن آن عاجز ماندند. این سیر تدریجی آیات به معنای اثبات در حقانیت کلام الهی و عجز منکران قرآن است.

نقد و بررسی نظریه سید مرتضی درباره‌ی فصاحت قرآن:

خواستگاه بلاغت قرآن به بخش بزرگی از آن و دقت بی‌انتهای گزینش واژگان از حیث مطابقت لفظ و معنا و میزان توان فوق العاده در تسخیر واژه برای آشکار شدن معنا و ارائه‌ی آن در جلوه‌ی مطلوب و مکان مناسب باز می‌گردد. امتیاز واژه‌ی قرآنی در کنار ریتم ویژه در گوش، هماهنگی شگفت آن با معناست، به طوری که خواننده اشرف معنای مطلوب را حس می‌کند یا گویی در آن درخشش است که صورت معنا در برابر ذهن و چشمش می‌تابد. (سیدی ۱۳۸۶ ص ۲۷۲)

به عقیده‌ی سید مرتضی قرآن با منکران کلام الهی به تحدی پرداخته است اما موضوع تحدی را فصاحت و نظم به صورت توأمان معرفی می‌کند نه هر کدام از این دو را به تنهایی. (سید مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۳۵) ایشان در تألیف دیگرشان بر این باور است که فصاحت در قرآن و کلام عرب وجود دارد اما این تفاوت به اندازه‌ای نیست که بتوان آن‌ها را کاملاً متمایز کرد. لذا نظم لازمه‌ی تحدی است. در غیر این صورت عرب با اشعار فصیح و کلام بلیغ با آن معارضه می‌کرد. (سید مرتضی بی تا، ص ۳۸۱) و در این باره در کتاب الصرفه آورده: رسول خدا عرب را با تحدی با قرآن دعوت نموده و این تحدی را بدون هیچ قید و شرطی آورده و اعراب نیز منظور پیامبر را از تحدی دریافته و در این باره سوالی نپرسیدند و این بدین معناست که تحدی به شیوه‌ی معمول عرب صورت گرفته و می‌دانیم که روش معمولی آنها در تحدی، اعتبار و نظم و فصاحت با هم بود. از این رو شاعر با شاعر و سخنور با سخنور تحدی می‌کرد. طوری که اکثر ایشان با قصیده‌ای با عروض یکسان به معارضه برمی‌خواستند. اگر قصیده‌ای طولانی بود با همان سبک و اگر بسیط بود با قصیده‌ای بسیط به همانندآوری آن بر می‌خواستند و راضی نمی‌شدند مگر اینکه قافیه‌ها و حرکاتشان همسان

بهمن ماه ۱۳۹۲

باشد. (سید مرتضی ۱۳۸۲، ص ۳۹-۴۰) ایشان اعجاز قرآن را به فصاحت و نظم پذیرفته‌اند اما صراحتاً آورده‌اند: تفاوت در فصاحت کلام وجود دارد اما این تفاوت به اندازه‌ای نیست که کلامی را در مرتبه و جایگاهی اعلا و کلامی را در مرتبه‌ی اسفل قرار داد. بنابراین بین فصاحت قرآن کریم و کلام فصیح عرب قرابتی وجود دارد که معارضه را ممکن می‌کند. (همان ۴۸-۴۹) هم چنین در جایی دیگر درباره‌ی وجه اعجاز قرآن با فصاحت متذکر شده: «اگر وجه اعجاز قرآن را فصاحت بگیریم لازمه‌ی آن این است که فاصله‌ی فصاحت قرآن با کلمات فصحای عرب چند برابر فاصله شعر متقدمین و محدثین باشد اما این طور نیست». (همان ص ۳۸) با وجود چنین اعتقادی سید مرتضی برای اثبات اعجاز قرآن که آن را مسلم می‌داند، به دستاویزی دیگر تکیه زده و نظریه صرفه را بسط و گسترش می‌دهد.

قطعا تفاوت‌های بسیاری بین فصاحت قرآن و کلام عرب وجود دارد. هر چند عده‌ای مانند سید مرتضی تفکیک بین فصاحت واژگان قرآن و واژگان عربی را دشوار می‌دانند، اما با برشمردن تعدادی از ملاک‌های خاص به کار رفته در قرآن تمایز این دو آشکار می‌گردد. یکی از این ملاک‌ها «طول واژه» است که در قرآن بسیار دقیق به کار گرفته شده است. طول واژه به همراه فصاحت آن از ویژگی‌های فصاحت سبک قرآنی و گزینش واژگان در بافتی است که با طول واژه تناسب دارد. (سیدی ۱۳۸۶، ص ۲۶۷) اهمیت این گفتار از این جهت است که ریشه‌ی بیشتر واژگان قرآنی سه حرفی است. این خصوصیت که باقلانی در اعجاز القرآن آن را از جمله شاخصه‌های برتری زبان عربی نسبت به دیگر زبان‌ها می‌داند و از نشانه‌های اعتدال در زبان بر می‌شمرد، به طور دقیق در قرآن به کار گرفته شده است. (باقلانی ۱۴۰۶، ص ۱۱۸) در مواردی هم که طول واژه زیاد است گویای معنای خاصی نسبت به آن موضوع می‌باشد. دومین ملاک «مخالف قیاس زبانی» است که به معنای ادغام دو حرف همانند است که در پی هم بیاید. مانند کلمه‌ی «أجلل» که به صورت «أجلّ» خوانده شود. (سیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۹) البته در قرآن کلماتی یافت می‌شوند که از این قاعده عدول کرده‌اند مانند: اَعْضُ، یَحْلِل، یَمْسَسُکُمْ و... اما این مسئله نیز دارای ظرافت‌های معنایی است که مجال پرداختن به آن نیست. ممکن است منظور سید مرتضی از قرابت کلام قرآن و کلام عرب و عدم تمایز این دو، تنها کلمات قرآن بوده نه کلیت آن. با این فرض نیز خللی در قرآن ایجاد نمی‌شود چرا که بعضی اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت، روش و اسلوب آن می‌دانند نه تک تک کلماتش. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۷۹) عبدالقاهر جرجانی در رابطه با مفهوم فصاحت می‌گوید: وقتی ما می‌گوییم فلان لفظ فصیح است که موقعیت آن را به لحاظ نظم کلام و تناسب آن با معانی کلمات مجاور آن به حساب آوریم. اینکه می‌گوییم فلان لفظ در محل مناسب خود جای گرفته و در گوش خوش آیند و بر زبان آسان است، مقصود همان حسن توافق و تناسبی است که از جهت معنی میان این لفظ با لفظ دیگر وجود دارد.

بهارن ماه ۱۳۹۲

(جرجانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷) پس از این بیان با ذکر مثالی از قرآن ادامه می‌دهد: (وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَسْمَاءُ أَقْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَ قِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (هود/۴۴) «ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن.» و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت.» و گفته شد: «مرگ بر قوم ستمکار.» به خوبی فهمیده می‌شود زیبایی و شکوه این آیه فقط بدین جهت است که لفظ اول با لفظ دوم و لفظ دوم با سوم و سوم با چهارم و تا آخر از جهت معنا حسن ارتباط دارد و مزیت هم در خلال نظم و ترتیب این کلمات پدید آمده و از مجموع همین کلمات حاصل گردیده است. (همان ص ۴۸) با این توضیح باید گفت: اعتقاد سید مرتضی درباره فصاحت قرآن جامعیت ندارد و نمی‌توان آن را منسوب به قرآن دانست چراکه بسیاری از فصحا و ادیبان، اعجاز قرآن را به جهت فصاحت بی‌نظیر آن می‌دانند.

نقد و بررسی نظریه‌ی سید مرتضی درباره‌ی نظم:

عده‌ای از اندیشمندان وجهی خاص برای اعجاز قائل شده‌اند و آن نظم است. مولف کتاب الموضح نظم قرآن را در میان عرب نظمی بی‌سابقه می‌داند و کاربرد آن را در قرآن، نسبت به کلام عرب متفاوت می‌داند. (سید مرتضی ص ۴۲) اما در ادامه بیان می‌کند که نظم تنها نیز نمی‌تواند برای قرآن مزیتی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل دو شاعر را می‌بینیم که شعر آن‌ها به لحاظ نظم یکسان سروده شده اما شعر یکی فصیح و ارجمند است و شعر دیگری زشت و سخیف است. (سید مرتضی، ص ۴۳) ایشان اعتقاد دارد نظم قرآن با وجود تفاوتی که با نظم کلام عرب دارد به تنهایی موجب اعجاز نخواهد شد چرا که بسیاری از ادبا می‌توانند به شیوه‌ی نظم قرآن جملاتی را بیاورند، اما در آن‌ها فصاحتی نباشد و یا حتی بی‌معنا باشد. پس اگر تحدی با وجه نظم قرآن به تنهایی باشد، سخنانی هم که با نظم قرآن همسانند، می‌بایست معجزه باشند. همچنان که بسیاری از سرایندگان کلمات سخیف مطابق با نظم شاعری بلند مرتبه کلماتی زشت سروده‌اند که حتی ممکن است معنایی صحیح نداشته باشند. مانند مناظره ابوالعنس الصیمری با بحتری در حضور متوکل عباسی. (همان، ص ۴۶) سید مرتضی در جایی دیگر درباره‌ی نظم قرآن تصریح می‌کند: در حقیقت برای قرآن نظم و تألیفی نیست و این لفظ در کلام از جهت به دنبال هم آمدن و چینش کلمات به کار رفته است مانند به رشته در آوردن جواهر. (همان، ص ۱۰۷) به طور خلاصه می‌توان از لابه لای گفتار وی درباره‌ی نظم فهمید که نظمی که در قرآن موجود است نظم خاصی نیست و ویژگی‌های منحصر به فردی ندارد. اگر هم برای قرآن قائل به نظم می‌شود آن را چینش کلمات از پی هم معنا می‌کند که این ویژگی هیچ برتری نخواهد داشت و هر متنی را شامل می‌شود.

بهمن ماه ۱۳۹۲

البته اشتراک نظمی بین متن قرآن و هر متن معنا داری وجود دارد اما این اشتراک، از ویژگی‌های بنیادی است که هر متنی برای انسجام و بقای خود به آن نیاز دارد. نظمی که صاحبان بلاغت و ادبا در مورد قرآن ذکر کرده و برای اثبات اعجاز قرآن به آن استدلال کرده‌اند، دارای ظرافت‌هایی است که در هیچ متنی موجود نیست. عبدالقاهر جرجانی از جمله کسانی است که درباره‌ی اعجاز قرآن وجه نظم را می‌گزیند و توضیح می‌دهد: غرض از نظم کلام به این معنا نیست که واژگان از پی هم آیند، بلکه دلالت آن‌ها باید تناسب داشته باشد و معانی آن‌ها به همان وجهی که مقتضای عقل است، آورده شود. (جرجانی ۱۴۲۲ق، ص ۵۱) وی در دفاع از این مسئله، پس از برشمردن آراء باطل درباره‌ی اعجاز قرآن بیان می‌کند: نظم در جایگاه اعجاز قرار می‌گیرد. نظم چیزی غیر از گزینش معانی نحو و احکام آن در میان کلمات است. واژگان مفرد را رشته‌ای به نظم در می‌آورد و بدون دخالت گزینش معانی نحو و احکام آن، پراکندگی آن را وحدت می‌بخشد و برخی را علت برخی دیگر قرار می‌دهد. (همان ص ۳۹۰) از دیگر معتقدان به این موضوع زمخشری می‌باشد. وی درباره‌ی وجوه اعجاز قرآن معتقد است: اعجاز دارای دو جنبه است. وجه اول نظم و دیگری اخبار غیبی موجود در قرآن. (زمخشری، ۱۴۰۷، ص ۳۸۳) در مقدمه تفسیر محررالوجیز نهایت فصاحت قرآن را نظم می‌داند و حرف کسانی که معتقدند عرب قدرت همانند آوری قرآن را دارد اما با آمدن حضرت محمد(ص) از آوردن مانند آن منصرف و عاجز شدند، باطل می‌داند. از جمله دلایل نویسنده این است که احاطه ی علم خداوند بر همه چیز گسترده است و به کلامی هم که نازل کرده کاملاً احاطه دارد و علم به ترتیب الفاظ نیز در گستره ی علم اوست و معانی را از پی یکدیگر تبیین می‌کند. این روند از ابتدا تا انتهای قرآن را شامل می‌شود. اما بشر دارای جهل و فراموشی است و امکان ندارد چنین احاطه‌ای داشته باشد. (اندلسی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۱) این احاطه کامل الهی موجب ایجاد نظمی منسجم در متن قرآن شده که بشر ذاتاً قادر به ایجاد چنین نظمی نیست. سیوطی از مراکشی نقل می‌کند که اگر اعجاز قرآن را به خود آن مربوط بدانیم، یا متعلق به فصاحت و بلاغت است یا به معنی آن. وی در ادامه نظم مخصوص را همان شکل و صورت قرآن می‌داند و لفظ و معنی را عنصر آن می‌خواند و می‌گوید: حکم هر چیزی با تفاوت یافتن صورتش تغییر می‌یابد و با تبدیل اسمش حکم آن تغییر می‌کند نه با عنصر آن. مانند انگشتر و گوشواره و گردنبند که با اختلاف شکلشان اسمشان تغییر کرده نه عنصر آن‌ها که طلا و نقره و آهن باشد. وی می‌افزاید: از بیان فوق معلوم شد که اعجاز مخصوص به قرآن به نظم مخصوص آن مربوط می‌شود و نظم آن معجزه است و متوقف بر بیان نظم کلام است. وی در ادامه اضافه می‌کند سخن دارای اقسامی است و هر قسم دارای نظمی خاص. قرآن تمام زیبایی‌های آن را دارد اما با نظمی غیر از نظم آن‌ها. دلیل بر این مطلب اینکه نمی‌شود به آن‌ها گفت: نامه، خطابه، شعر یا سجع، چنانکه می‌توان گفت کلام است و شخص بلیغ چون آن را می‌شنود، بین آن با نظم‌های دیگر فرق می‌-

بهمن ماه ۱۳۹۲

گذارد. از همین روی خدای متعال فرمود: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) (فصلت/۴۱-۴۲) کسانی که به این قرآن- چون بدیشان رسید- کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است. * از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات]

به جهت توجه دادن به اینکه تألیف آن بکارگیری نظمی که افراد بشر دارند نیست تا امکان تغییر دادن و کم و زیاد کردن آن باشد، چنان که در کتاب‌های دیگر هست. (سیوطی، ص ۳۷۷) ابن قتیبه نیز مطالبی را در این زمینه در مقدمه تأویل مشکل القرآن یادآور شده و تجلی اعجاز را این چنین معرفی می‌کند: خداوند قرآن را معجزه‌ای در تألیف و نظم شگفت قرار داد که با زیاد خواندن موجب ملامت نمی‌شود و گوش را آزار نمی‌دهد و همیشه تازه است و کهنه نمی‌شود. شگفت است و شگفتی آن پایان نمی‌یابد و فواید آن قطع شدنی نیست و ناسخ کتب پیشین است و در کمترین لفظ بیشترین معنا را در بردارد. (ابن قتیبه بی تا، ص ۳) با بررسی و جست‌وجو به شواهدی که نظم قرآن را وجه اعجاز می‌دانند، به این نکته می‌رسیم که بین نظمی که سید مرتضی بدان معتقد است و نظمی که قرآن دارد، تفاوت وجود دارد. نگاه سید مرتضی به نظم قرآن نظم عروزی است اما نگاه جرجانی به نظم دارای دلالت متناسب با معناست که این تناسب از جهت مقتضیات عقلی می‌باشد. روشن است که با نظم عروزی می‌توان با قرآن مقابله کرد، بافته‌های مسیلمه‌ی کذاب نمونه تاریخی این نوع نظم می‌باشد. اما نظمی که جرجانی به آن اعتقاد دارد، نظمی نیست که بتوان برای آن شاهی آورد یا آن را سبک شمرد. در نتیجه دیدگاه سید مرتضی در رابطه با نظم نگاهی سطحی و غیر قابل اعتنا است.

نقد و بررسی نظریه‌ی وجه اعجاز به اخبار غیبی:

سید مرتضی بسیاری از سوره قرآن کریم را متضمن اخبار غیبی نمی‌داند و آن را دلیلی بر عدم قطعیت اعجاز به اخبار غیبی می‌داند. وی معتقد است: از آن جا که تحدی بر هر یک از سوره‌های قرآن واقع شده است، نتیجه می‌گیریم وجه تحدی باید در تمام سوره‌ها وجود داشته‌باشد و اخبار غیبی وجه تحدی محسوب نمی‌شوند. (سید مرتضی، ص ۱۱۷) ایشان این قول را در تألیف دیگر خود نیز یادآور شده‌اند. (سید مرتضی، بی تا، ص ۴۰۲) سید مرتضی اخبار قرآن را به دو دسته تقسیم می‌کند: اخباری که حاوی اتفاقات گذشته است مانند: رویدادهای امتهای گذشته و انبیاء متقدم و

بهارن ماه ۱۳۹۲

اخباری که از وقایع آینده خبر می‌دهند، مانند: (لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مَخْلُقِينَ رُءُوسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ) (فتح/۲۷)

« شما بدون شک، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد.»

الم* غُلِبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (روم/۱-۳) الف، لام، میم. رومیان شکست خوردند. در نزدیکترین سرزمین، و [الی] بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید.

درباره‌ی اخبار نقل شده از گذشتگان آورده: اخبار موجودی که از گذشتگان در قرآن است، آن دسته از اخباری‌اند که از امر شایعی حکایت می‌کنند که اهل کتاب نیز در شناخت آن‌ها اشتراک دارند، یا بیشتر مردم آن‌ها را می‌شناختند. این نمی‌تواند تحدی محسوب شود زیرا ممکن است مخالفین ادعا کنند این اخبار از اهل کتاب یا از کلام مردم مأخوذ است. (سید مرتضی، ص ۱۱۸) درباره‌ی اخبار مستقبل می‌گوید: دلالت خبر وقتی آشکار می‌شود که آن خبر به وقوع بپیوندد و قبل از وقوع خبر فرقی بین صدق و کذب آن نیست. وی ابطال این وجه از اعجاز را اعلام می‌کند و صحت آن را بر وقوع اخبار آینده می‌داند. (همان، ص ۱۱۹) در ادامه یادآور شده: بی‌شک بسیاری از اخبار غیبی قرآن در آینده محقق می‌شوند و زمانی که پیامبر آن آیات را بر مردم فرو می‌خواند، هنوز واقعیت آن اخبار محقق نشده بود و روشن است که وجه اعجاز بایستی در زمان تخاطب به اثبات رسیده‌باشد. در قرآن اخبار از غیب وجود دارد و می‌توان با استناد به آن‌ها بر صدق گفتار پیامبر استدلال کرد، اما اینکه وجه تحدی قرآن را صرف اخبار غیبی آن بدانیم، دارای اشکال است. (سید مرتضی، ص ۱۲۴)

درباره‌ی اخبار گذشته باید گفت: اشتراکات فراوانی بین اخبار اهل کتاب و قرآن کریم وجود دارد، اما تمام قصه‌های قرآن و اهل کتاب یکی نیستند و بعضی از آن‌ها در کتب مقدس ذکر نشده‌اند. مانند داستان صاحبان باغ (قلم/۳۲-۱۷) علاوه بر آن نوع گفتار و گزیده‌های داستانی قرآن با مشابه آن در کتب مقدس تفاوت‌های بسیاری دارد و دارای ظرافت‌های خاصی است. راجع به اخبار غیبی نیز باید گفت: در ابتدای نزول قرآن اخبار غیبی وجود نداشت و به مرور و با توجه به مصلحت الهی نازل می‌شد. پس چیزی که موجب اعجاز مردم عصر نزول می‌شد، در ابتدای امر فصاحت و بلاغت و محتوای بالای آیات بود و اخبار غیبی برای تکمیل و رشد و استعلا‌ی کلام الهی نازل می‌شد که با تحقق بخشی از آن‌ها موجب تثبیت قلوب مومنان می‌شد و تحقق بخش دیگر آن در آینده این روند را به دنبال خواهد داشت.

بهمن ماه ۱۳۹۲

از این رو علی رغم اعتقاد سید مرتضی، می‌توان آن را یکی از وجوه اعجاز مطرح کرد و در کنار دیگر موضوعات تحدی به آن پرداخت.

نقد و بررسی نظریه‌ی وجه اعجاز به عدم اختلاف :

مولف الموضح درباره‌ی وجه اعجاز به نفی اختلاف در قرآن معتقد است عدم اختلاف در قرآن فضیلتی بزرگ و مرتبه‌ای جلیل‌القدر دارد چرا که با وجود نزول تدریجی و مکرر بودن قصص آن هیچ نقص و اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود. اما یادآور می‌شود این قسم نیز منتهی به اعجاز نمی‌شود و برهانی برای اثبات آن نیست زیرا مردم در سلامت از این عیب و نقص متفاوت اند. بعضی از آن‌ها اضطراب فراوانی در کلامشان مشاهده می‌شود و بعضی دیگر هوشیاراند و این نوع نواقص در کلامشان کمتر وجود دارد. علاوه بر آن در احادیث و کلام رسول خدا و بعضی دیگر صحت و استواری معانی و عدم اختلاف و تناقض وجود دارد و اگر آن را وجه تحدی بدانیم باید سخن آن‌ها را نیز وحی قرآنی به حساب آوریم. (سید مرتضی، ص ۱۲۵) هرچند ایشان در ابتدا عدم اختلاف در قرآن را ارج نهادند اما قیاس ایشان استوار و خالی از اشکال نیست. قرآن صراحتاً فرموده: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء/۸۲) « آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» اگر مزیتی در برشمردن انسجام قرآن نبود قطعاً قرآن در این آیه یادآور آن نمی‌شد. علامه طباطبایی معنای اختلاف در این آیه را قاعده‌ای طبیعی و کلی می‌داند که در نوع بشر و در موجودات پایین‌تر از بشر جریان دارد. ایشان نه تنها انسان بلکه تمام موجودات را تحت سیطره تحول و تکامل عمومی می‌داند و اضافه می‌کند: هیچ موجودی از این موجودات را نمی‌توان دید که در دو آن پشت سر هم یک حالت داشته باشد بلکه لایزال ذات و احوالشان در اختلاف است. هم چنین می‌فرماید: هیچ واحدی از آحاد موجودات این عالم نیست مگر آنکه اطراف امتداد زمان وجودش مختلف و حالاتش متفاوت است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰) قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر نازل شد و این به هیچ عنوان باعث سستی و تناقض در کلام الهی نشد. شرایط متفاوت، رویارویی با مشرکان، تعاملات مومنان، جنگ‌ها و آزار و اذیت‌ها هیچ کدام باعث افراط و تفریط در نگرش قرآن به دوست و دشمن نشد و قضاوت‌های عادلانه و برخورد‌های عاقلانه قرآن با سایر گروه‌های دینی و اجتماعی و پیمودن راه میانه، خود نوعی از اعجاز است. اگر تمام این شرایط و موقعیت‌های متفاوت برای انسان دیگری رخ می‌داد قطعاً به افراط و تفریط دچار می‌شد. علت این قطعیت از آن جهت است که انسان به خاطر عدم آگاهی از آینده و ضعف در تحلیل شرایط سختی که خود گرفتار آن است، دست به تصمیم‌گیری‌هایی می‌زند که ندامت و پشیمانی را درآینده در پی خواهد داشت. با این توضیح

بهارن ماه ۱۳۹۲

مسلمانان خداوند که آگاه به آینده است با علم و تدبیر و حکمت خود راه و روشی را برمی‌گزینند که به هیچ عنوان موجب ندامت نخواهد شد و اختلافی نیز در آن راه ندارد. اما تشکیک سید مرتضی به اینکه معتقد است در کلام دیگران ممکن است اختلاف نباشد باید گفت: چیزی که میان عموم انسان‌ها وجود دارد عدم اعتقاد به این مسئله است و هر کس با رجوع به احوالات و گفتارهای خود به وجود اختلاف در عمل و گفتارش پی خواهد برد. البته معصومین از این دایره‌ی شمولیت مستثنی هستند چرا که ایشان نمودهای عینی رفتار و گفتار قرآنی هستند و تناقض در گفتار و اعمال ایشان نیست، به همین دلیل گفتار و تقریر ایشان مانند قرآن دارای حجیت است.

نقد نظریه ی صرفه:

همان طور که در موارد پیشین اشاره شد، سید مرتضی در کتاب خود به بحث و بررسی فصاحت و نظم قرآن پرداخت اما هر کدام را به تنهایی وجه اعجاز نمی‌داند و حتی وجود هر دو را در کنار هم وجه اعجاز قرآن نمی‌داند و هم‌اوردی مانند قرآن را با وجود این دو (نظم و فصاحت) در کنار هم دشوار می‌داند نه غیر ممکن. ایشان وجهی برون متنی برای قرآن قائل شده‌اند که همان صرفه می‌باشد. برای صرفه سه گونه وجه تعریف شده است: تفسیر اول: منظور از صرفه این است که خداوند «داعی» و انگیزه کسانی را که در صدد مقابله برآیند سلب می‌کند. یعنی آن انگیزه و داعیه‌ای که آنان را برای مقابله با قرآن واداشته، هنگام عمل فروکش می‌کند و حالت سردی و بی‌تفاوتی به آنان دست می‌دهد.

تفسیر دوم: [با وجود داعیه و انگیزه معارضه با قرآن] خداوند با قهر و قسر آنان را از این معارضه بازداشته است، با آنکه توانایی لازم را دارند، ولی در موقع مقابله حالت سستی و رخوت به آنان دست می‌دهد. [مانند آنکه کسی دست فردی را که می‌خواهد چیزی بردارد گرفته و مانع او شود].

تفسیر سوم: خداوند علومی را که برای آفریدن کلامی چون قرآن مورد نیاز است از آنها سلب کرده است. سلب علوم را نیز می‌توان دو گونه تفسیر کرد: یکی آن که؛ این علوم برای آنان [از قبل] وجود نداشت و تنها خداوند از آموختن آن دانش‌ها ایشان را بازداشت تا مبادا در معارضه موفق گردند و معنای «صرف» در آیه‌ی «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةً آيَةً لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَّا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (اعراف/ ۱۴۶)» به زودی کسانی را که در زمین، به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نیاورند، و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند، و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند. این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلت ورزیدند.» همین است. دیگر آنکه این علوم از قبل مستمراً در اختیار

بهمن ماه ۱۳۹۲

آنان بوده است اما خداوند [هنگام نزول قرآن و تحدی آن] این علوم را از دل‌های آنان پاک کرده و آثارش را محو نمود. (معرفت، ۱۴۱۶ق، ج ۴، صص ۱۳۸-۱۳۹) اما باید یادآور شد تفسیری که مبین صرف به انگیزه است، نادرست می‌باشد چرا که شواهد تاریخی مانند بافته‌های مسیلمه‌ی کذاب نشان می‌دهد انگیزه‌ی مقابله وجود دارد. در نوع دوم که صرف به قدرت را وجه اعجاز دانسته باید گفت: اعتماد به این قول خلاف تحدی است، زیرا تحدی باید در شرایطی برابر صورت گیرد در غیر این صورت امتیازی برای پیامبر در تصدیق پیامبری خود نخواهد داشت. قول سوم نیز خلاف شواهد و متون به جا مانده از زمان نزول است چرا که علومی که برای همانند آوری متن قرآن نیاز است از قبیل فصاحت و بلاغت و نظم و... در اشعار و کلام عرب وجود دارد. با توجه به اشتراکاتی که در ذات همه‌ی معجزات پیامبران وجود دارد، اعتقاد به این قول (صرفه) را نیز می‌توان شمولیت داد و برای دیگر معجزات نیز بیان کرد، ولی در داستان حضرت موسی می‌بینیم که ساحران دارای انگیزه و قدرت و علم هستند اما در هنگام معارضه به تفاوت جنس کار خود با حضرت موسی پی‌بردند و دانستند که این امر الهی است و باعث ایمان آوردن آن‌ها شد. (طه/۷۰) در مورد قرآن نیز این نظریه صادق است و اعتلای آن با وجود آزاد گذاشتن بندگان در همانند آوری ثابت می‌شود. اما قول به صرفه در هر نوع خود به معنای مخدوش کردن و به منزله‌ی نبردی نابرابر خواهد بود که پیروزی آن باعث افتخار نیست. سیوطی در باره صرفه آورده: قول به صرفه لازمه‌اش این است که با مقتضی شدن زمان تحدی، اعجاز هم زایل شود و قرآن از اعجاز خالی باشد که این مطلب اجماع امت را می‌گسلد که همه متفقند معجزه‌ی بزرگ رسول خدا باقی است. (سیوطی، بی‌تا، ص ۳۷۲) بعضی از منتقدان به این نظریه بازتاب‌های فاسدی را برای صرفه قائل شده‌اند: الف- بر این اساس قرآن معجزه نیست بلکه معجز است. ب- بنا بر این باور باید والایی‌ها و شگفتی‌های خارق العاده‌ی قرآن را نادیده بگیریم و بگوییم قرآن عادی است و توان همانند سازی هست ولی خدا مانع است. ج- بر اساس عقیده به صرفه قرآن یک تافته‌ی جدا بافته‌ایست در میان معجزات چون هیچ کس نسبت به معجزات دیگر صرفه را نپذیرفته و معلوم نیست چرا عقیده به صرفه یکدفعه در باره‌ی قرآن پدید آمده است. (عرفان ۱۳۶۹، ص ۱۱) ظاهرآیه شریفه‌ی (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَأَيَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا) (اسرا/۸۸) « بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» این آیه به وضوح نظریه‌ی صرفه را رد می‌کند و نشان می‌دهد که همه‌ی جن و انس در همانند آوری قرآن آزادند و در صورت کمک یکدیگر برای آوردن قرآن، باز هم نخواهند توانست.

نتیجه:

بهارن ماه ۱۳۹۲

با توجه به تفاوتی که بین متن قرآن و سایر متون وجود دارد، علاوه بر محتوا و معانی، ظاهر آن نیز باید اختصاصی و به زبانی دیگر، و حیاتی باشد. این ویژگی در قرآن باعث شده بهترین الفاظ را در به کارگیری معانی بلند خود مورد توجه خاص قرار دهد. حال با توجه به اینکه علم خداوند بر همه چیز احاطه دارد، انتخاب و گزینش الفاظ و عبارات قرآنی در بهترین جایگاه ممکن قرار گرفته است. این توجه خاص الهی که دامنه‌ی آن تمام متن قرآن را دربر گرفته و شامل چینش و نظم عبارات و فصاحت و بلاغت آیات قرآنی شده، موجب گردیده تا همانند آوری و ایجاد متنی مانند آن توسط هیچ انیس و جنی امکان پذیر نباشد. این در حالی است که جوهری از قبیل اخبار غیبی و عدم اختلاف در قرآن و وجود دقایقی علمی متن قرآن را منسجم‌تر و غیر قابل نفوذ (به لحاظ همانند آوری) کند. با این توضیح استحکام و مصونیت قرآن، متکی به خود متن می‌باشد و انسجام آن به حدی است که نیازی به حمایت های برون متنی که بعضی مانند سید مرتضی قائل به آن شده‌اند، نخواهد داشت؛ چرا که این اعتقاد (صرفه) هیچ امتیازی را برای قرآن در پی نخواهد داشت.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم (ترجمه فولادوند)

۱. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، (بی تا) *تأویل مشکل القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت
۲. اندلسی، ابن عطیه، (۴۲۲ق) *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، دارالکتب العلمیه، بیروت
۳. باقلانی، ابوبکر، (۴۰۶ق) *اعجاز القرآن*، تحقیق شیخ عماد الدین احمد الحیدری، الطبعة الاولى
۴. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۸۱ق) *دلایل الاعجاز فی علم المعانی*، تصحیح محمد رشید رضا، مکتبه القاهره، مصر
۵. حلی، ابو منصور جمال الدین حسن بن یوسف، (بی تا) *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، مکتبه المصطفوی، قم
۶. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق) *البیان فی تفسیر القرآن*، موسسه احیاء آثار الامام خوبی، قم
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۱) *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، ناشر: کتاب مبین، قم
۸. زرقانی، عبدالعظیم، (بی تا) *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت
۹. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق) *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتاب العربی، بیروت



دومین همایش ملی اعجاز قرآن



بهمن ماه ۱۳۹۲

۱۰. زملکانی، کمال الدین ابوالمعالی، (۱۳۹۴ق) *البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن*، تحقیق احمد مطلوب، دارالاحیاء التراث الاسلامی، عراق
۱۱. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (۱۴۰۶ق) *الجديد في تفسير القرآن المجيد*، دارالتعارف المطبوعات
۱۲. سیوطی، جلال الدین، (بی تا) *الاتقان فی علوم القرآن*، دارالکتب العربی، بیروت
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷) *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات تسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا) *الاقتصاد الهادی الی الطريق الرشاد*، مکتبه جامع چهلستون، تهران
۱۵. عرفان، حسن، (۱۳۶۹) *پژوهشی در شیوه های اعجاز قرآن*، انتشارات دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول، بهمین
۱۶. علم الهدی، سید مرتضی، (بی تا) *الذخیره فی علم الکلام*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم
۱۷. (۱۳۸۲) *الموضح عن جهه اعجاز القرآن*، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، مشهد، چاپ اول
۱۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا) *قاموس المحيط*، دارالکتب العلمیه، بیروت
۱۹. کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۹۲) *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*، سال چهل و ششم، شماره یکم، بهار و تابستان
۲۰. الکواز، محمد کریم، (۱۳۸۶) *سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن*، ترجمه سید حسین سیدی، ناسر: سخن، تهران
۲۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳) *بحار الانوار*، مؤسسه الوفا، بیروت
۲۲. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۵) *تاریخ قرآن*، انتشارات سمت، تهران، پایی
۲۳. (۱۴۱۶ق) *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه النشر السلامی، قم
۲۴. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق) *الکاشف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتب الاسلامیه، تهران